

آداب رؤیت هلال ماه از تپه‌سرباز اوین و...



رویت هلال ماه مبارک رمضان و نیز رویت هلال ماه شوال و فرارسیدن عید سعید فطر در تهران قدیم ویژگی‌ها، شرایط و آداب و رسوم خاصی داشت. همایون عبدالرحیمی، محقق و نویسنده، می‌گوید: «تهرانی‌ها هنگام رویت هلال ماه شوال با آینه و ظرفی پر از آب به پشت‌بام خانه‌ها می‌رفتند تا هلال ماه را رویت کنند. همچنین اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات خود از آداب ۱۴۵ سال پیش تهرانی‌ها هنگام رویت هلال ماه شوال و اعلام عید فطر آورده است: امروز یقیناً اول ماه بود. با وجود اینکه در دو، سه تقویم نوشته بودند که امروز عید است و تلگراف از تبریز، عراق، قم و قزوین رسید که هلال رویت شده است، باز شاه محض التفات به حاجی ملاعلی مجتهد تلگراف فرمودند که تکلیف چیست. حاجی مجتهد هم جواب عرض کرده بودند که باید در آفق تهران رویت شود و مردم آن وقت افطار کنند. من در خانه بودم و بعد از ناهار شاه به واسطه کسالت به خانه آمدم. چهار ساعت به غروب مانده صدای توپ شنیده شد. معلوم شد که حاجی میرزا حسن آشتیانی که از مجتهدین دیگر تهران است، هلال ماه را رویت و افطار کرده است.» این شواهد مکتوب نشان می‌دهد که در تهران قدیم دوران قاجار هم رویت ماه توسط علما انجام می‌شد؛ چه علمایی که در کربلا و نجف بودند و چه علمایی که در تهران حضور داشتند.»

در دوران قاجار، علمای تهران نیز برای رویت هلال ماه بر فراز بلندی‌ها می‌رفتند تا مردم را از رویت هلال ماه باخبر کنند. ارتفاعات تپه‌سرباز در محله اوین و محدوده شمیران، یکی از نقاطی بود که به‌عنوان محلی برای دیدن هلال ماه استفاده می‌شد. سیدمهدی اعرابی، شمیران‌پژوه و یکی از اهالی قدیمی اوین، در این باره می‌گوید: «تپه‌سرباز در ماه مبارک رمضان برای اهالی اوین اهمیت ویژه‌ای داشت، چراکه بلندی‌های این تپه به محلی برای رویت هلال ماه شوال تبدیل می‌شد و بزرگان و علمای اوین برای رویت ماه و اعلام عید فطر بر فراز این تپه می‌ایستادند.»

جعفر شهری در کتاب طهران قدیم درباره نحوه استهلال و رویت هلال ماه شوال در دوران قاجار می‌نویسد: «غروب شب اول ماه شوال هم از ساعت‌های پر جنب و جوش ماه رمضان به حساب می‌آمد که اگر ماه از ۳۰ کمتر بود و تقویم‌ها آن را ۲۹ روز گفته بودند از هنگام آفتاب زردی تا یک ساعت از شب رفته، روی بام‌ها و گل‌دسته‌ها و بلندی‌ها، سر به‌سوی جنوب غربی آسمان می‌کردند و به دنبال ماه می‌گشتند. این‌ماه دیدن نیز باید با مشاهده جماعت و چند عادل محل انجام گرفته باشد که باز این نیز از دو حالت خارج نمی‌توانست باشد که یا ماه را اجماع دیده، فردا را عید می‌گرفتند و یا اختلاف تقاویم و ابر و مه و بارندگی مانع رؤیت آن شده موکول به رسیدن خبر و تلگراف از کربلا و نجف می‌شد که سحر را باز برخاسته و نیت روزه می‌کردند و چنانچه خبری نرسیده بود... تلگراف به علمای اعلام اعصاب مقدسه کرده، استفسار و کسب تکلیف می‌کردند.»



روزه نزدیک است می‌باید کلوخ انداز کرد

خدا می‌خواستند گناهان شان را ببخشند. آن وقت تکه کلوخ را به نیت از بین رفتن اعمال ناپسند خود به زمین می‌زدند تا برای عبادت در روزهای ماه مبارک آماده شوند. جعفر شهری، پژوهشگر تاریخ تهران، نیز درباره جزئیات اجرای این رسم در تهران قدیم می‌نویسد: «مومنین طبقه اول و دوم تقریباً از زن و مرد کلوخ‌اندازان را اینطور برگزار می‌کردند که مردها از روی حساسی که می‌خواستند به پیشواز رمضان که از ۳ روز تا یک روز قبل از آن بود بروند، حمام رفته، سرها را تراشیده، ریش‌ها را تویی و محرابی و قبضه‌ای دور گیوه‌ای آرایش داده، حنایی‌ها حنا بسته، خضایی‌ها خضاب می‌گذاشتند و به قول خودشان دیگ و دیگ‌ور و ملاقه را سفید می‌کردند...»

میان اقشار مردم عمومیت داشت. همانطور که مومنان و متشرعان هم به این رسم تمایل داشتند و به تناسب اعتقادات و آداب محیط خانوادگی خود آن را برگزار می‌کردند.»

رد پای رسم کلوخ‌اندازان را در یکی از اشعار صائب تبریزی هم می‌توان جست‌وجو کرد. او در این بیت آورده است: «روزه نزدیک است می‌باید کلوخ‌انداز کرد / زاهدان خشک را رندانه از سر باز کرد» رسم کلوخ‌اندازان اما یک تا ۳ روز پیش از آغاز ماه رمضان اجرا می‌شد. مردها ظاهر خود را تمیز و پاکیزه می‌کردند و همراه با اعضای خانواده به دل طبیعت می‌رفتند. غروب که از راه می‌رسید به سوی قبله می‌ایستادند، تکه کلوخی در دست می‌گرفتند و از

مردم تهران قدیم با اجرای رسم کهن «کلوخ‌اندازان» به استقبال ماه رمضان می‌رفتند. این رسم در بیشتر شهرهای کشور اجرا می‌شد و تهرانی‌ها هم در این بین مستثنا نبودند و چند روز مانده به ماه مبارک رمضان، برای شرکت در این مراسم قدیمی که در اشعار کهن ایران زمین ریشه داشت آماده می‌شدند. دیرینه می‌گوید: «سابقه اجرای رسم کلوخ‌اندازان در روزهای پیش از آغاز ماه مبارک رمضان را می‌توان در اشعار شعری نامدار جست‌وجو کرد. این رسم سراسر ایران را در بر می‌گرفت و تنها به تهران تعلق نداشت، اما در دوران پایتختی تهران، مردم این شهر، به اجرای رسم کلوخ‌اندازان اصرار داشتند. کلوخ‌اندازان



ماه روزه‌داری به روایت جهانگردان اروپایی

می‌گویند و ماه نهم سال در تقویم اسلامی است. در این ماه بود که به تصریح کتاب مقدس مسلمانان، قرآن بر حضرت محمد (ص) نازل شد. در این ماه که رمضان خوانده می‌شود، مردم همه در روز می‌خوابند و هنگام عصر بلند می‌شوند. هر روز غروب در مرکز شهر توپ می‌اندازند تا زمان افطار را خبر بدهند. مردم با شنیدن صدای توپ از خواب برمی‌خیزند و غذا می‌خورند و سپس به تلاوت قرآن و خواندن نماز می‌پردازند. در نیمه‌شب دوباره غذا می‌خورند و شب را به روز می‌رسانند و با میدن سپیده صبح دوباره می‌خوابند.»

ژان شاردن، جهانگرد معروف فرانسوی، نیز در قسمتی از سفرنامه‌اش به اهمیت روزه‌داری میان پادشاهان صفوی اشاره دارد: «شاه برای آنکه در ماه رمضان تهران باشد سفر قزوین خود را لغو کرد.»

«ایرانیان عادت دارند که در ماه رمضان یکدیگر را مهمان کنند. پس از خوردن شام به شب‌نشینی می‌پردازند و با انواع تفریحات خود را سرگرم می‌کنند. اشخاصی که مایل به گرفتن روزه نباشند باید طوری رفتار کنند که کسی از عمل آنها آگاه نشود. البته چنین عملی هم به‌ندرت اتفاق می‌افتد. مالاها و سادات به قدری دقیق هستند که حتی آب دهان خود را هم فرو نمی‌برند. مثلاً مردی با دامن قباصورت خود را پوشانده بود تا مبادا پشه یا مگس در دهانش داخل شود و روزه‌اش را باطل نماید.»

نویسنده‌ی فورو کاوا، افسر ژاپنی که در دوره ناصرالدین شاه به تهران سفر کرد، در سفرنامه‌اش درباره حال و هوای ماه رمضان نوشته است: «از اعیاد دینی، عید پایان ماه رمضان است که آن را فصل روزه

یکی از مهم‌ترین ماه‌های عبادت و راز و نیاز با خدا در میان مسلمانان، به‌ویژه ایرانیان، ماه مبارک رمضان است؛ ماهی که در آن برای رسیدن به آرامش جسم و جان و بهره‌مندی از لطف و مرحمت بیکران الهی، مردم از بسیاری امور روزمره زندگی، از جمله خوردن و آشامیدن دست می‌کشند تا پادشاه شیرین خداوند در روز عید فطر بعد از ۳۰ روز عبادت نصیب‌شان شود. در این بین، آداب و آیین‌های روزه‌داری در تهران از نگاه و توجه جهانگردان خارجی دور نمانده و آنها که در این ایام به تهران سفر کرده بودند، اغلب از ویژگی‌های این ماه مبارک در نوشته‌های خود یاد کرده‌اند. هانری رنه دالمانی، تاریخ‌نگار فرانسوی، در سفرنامه خود به نام «از خراسان تا بختیاری» به آداب روزه‌داری و مهمان‌نوازی در ماه رمضان اشاره کرده و نوشته: